



Accident

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 3

 دری / English

ڪارلوس يڪ موٽرسڪل را مي چلاند. او بسڀر تيز مي چلاند.

...

Carlos rides a scooter. He rides fast.



در سرک آب موجود است. سرک لغزنده است.

...

There is water on the road. The road is slippery.



او کنترل موتورسیکل را از دست می دهد و به زمین می افتد.

...

He loses control of the scooter and falls off.



كارلوس به شدت زخمي است.



Carlos is badly hurt.

...

یک زن به آمبولانس تماس می گیرد. "اینجا یک حادثه رخ داده ، زود بیید!"

...

A woman calls for an ambulance. "There has been an accident. Come quickly!"



آمبولانس بسیر تیز می اید.

...

The ambulance comes very quickly.



دو مردم گرلوس را در بستر بجا کرد.

...

Two men put Carlos on a stretcher.



آنه کارلوس را به داخل آمبولانس بردند.

...

They lift Carlos into the ambulance.



آمبولانس به طرف شھڙنه حرڪت مي ڪند.

...

The ambulance drives to the hospital.

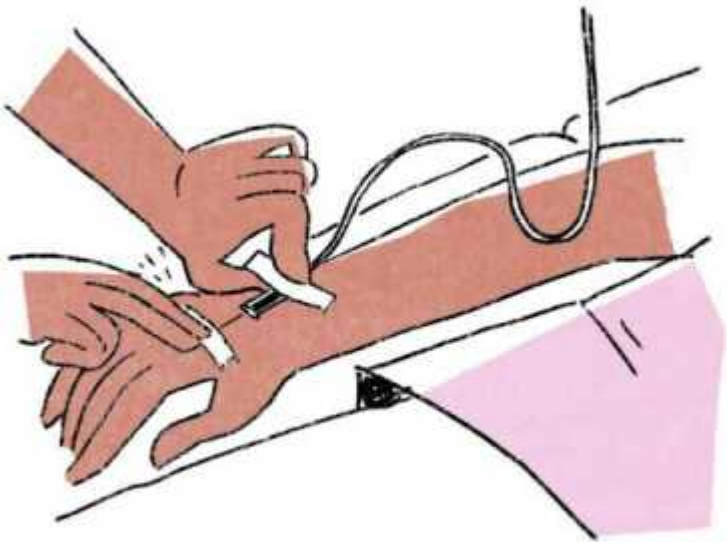


یک نرس کارلوس را به داخل شه‌خانه می برد.

...

A nurse takes Carlos into the hospital.





او تداوی کارلوس را می کند.

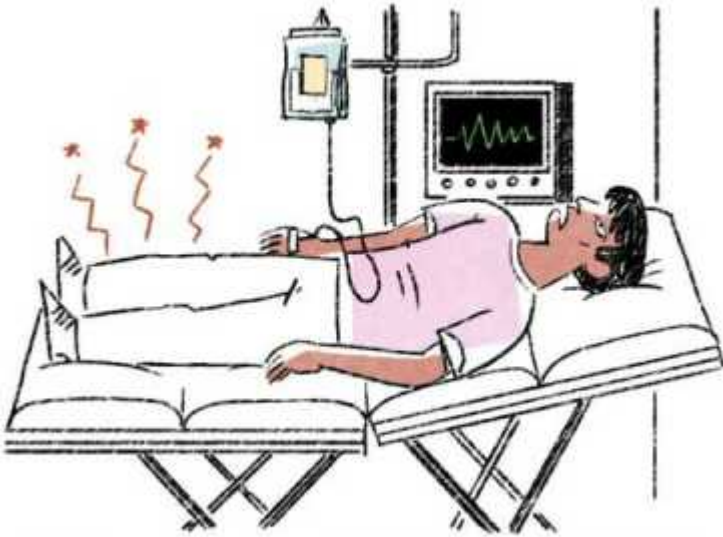
...

She treats him.

چی گرلوس بسیر درد می کند و او بسیر وارخط است.

...

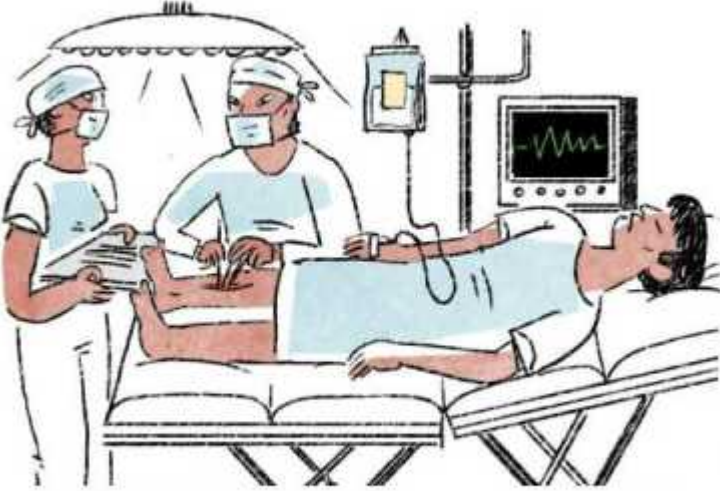
Carlos's leg hurts a lot, and he is worried.



دو داکتران ډی ګرلوس را عملیت می کنند.

...

Two doctors operate on his leg.



والدين اشد او مملقت مي کنند. آنها از او سوال مي کنند که اين حادثه
چطور رخ داد.



...

His parents visit him. They ask him how the accident
happened.

آنها او را به خانه می برند. کارلوس از عصی صحنی استفاده می کند.

...

They drive him home. Carlos is using crutches.






LIDA Stories

lidastories.net

حادثة

Accident

-  Espen Stranger-Johannessen
-  Aakane
-  Shir Ahmad Laiwal (prs)

